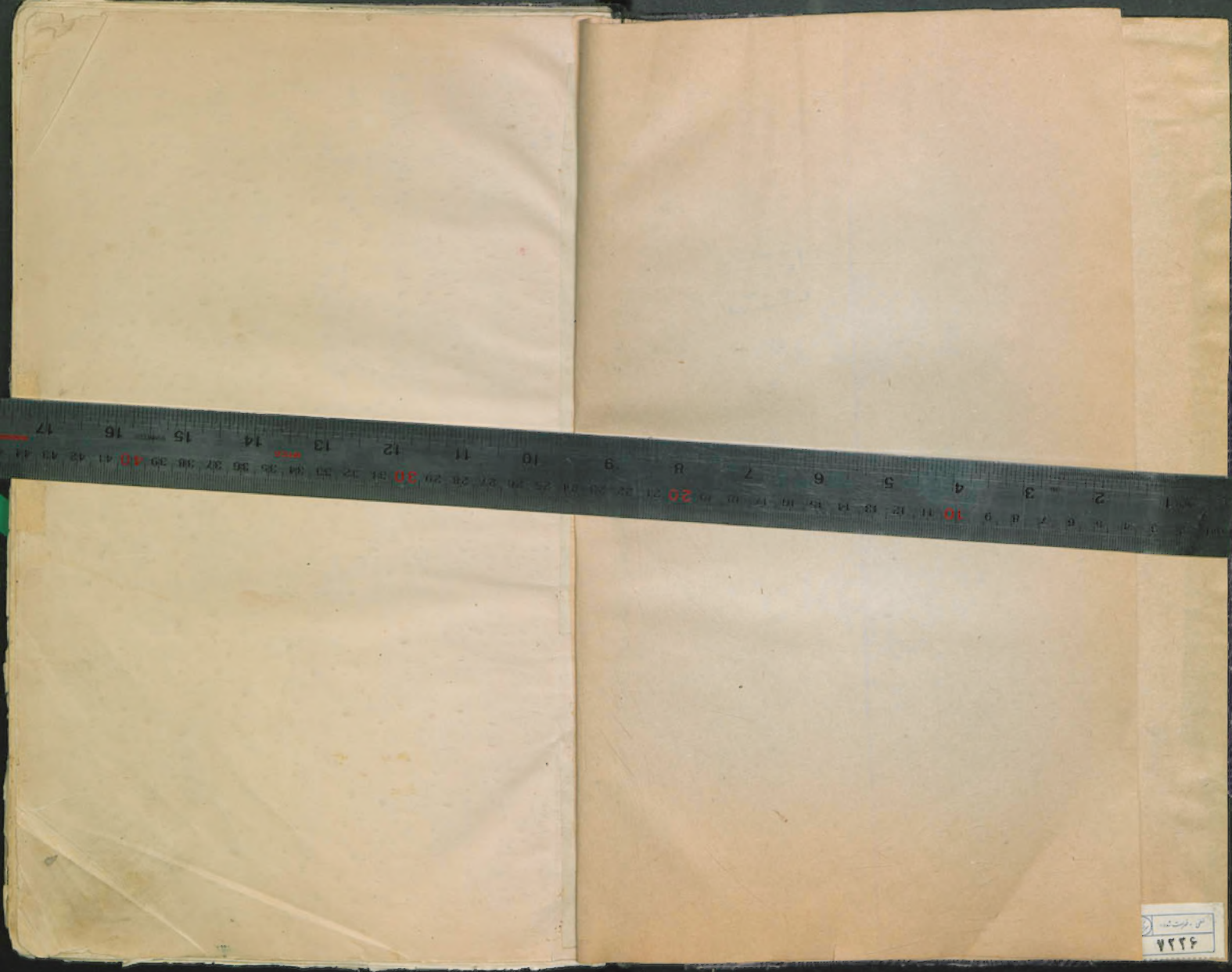




۱۳۱۹





مجله - فهرست شده
4224

بازرسی شد
۳۶ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی

نام کتاب: کتاب سنجیدگی

مؤلف:

موضوع تألیف:

شماره دفتر: ۱۶۲۳۶

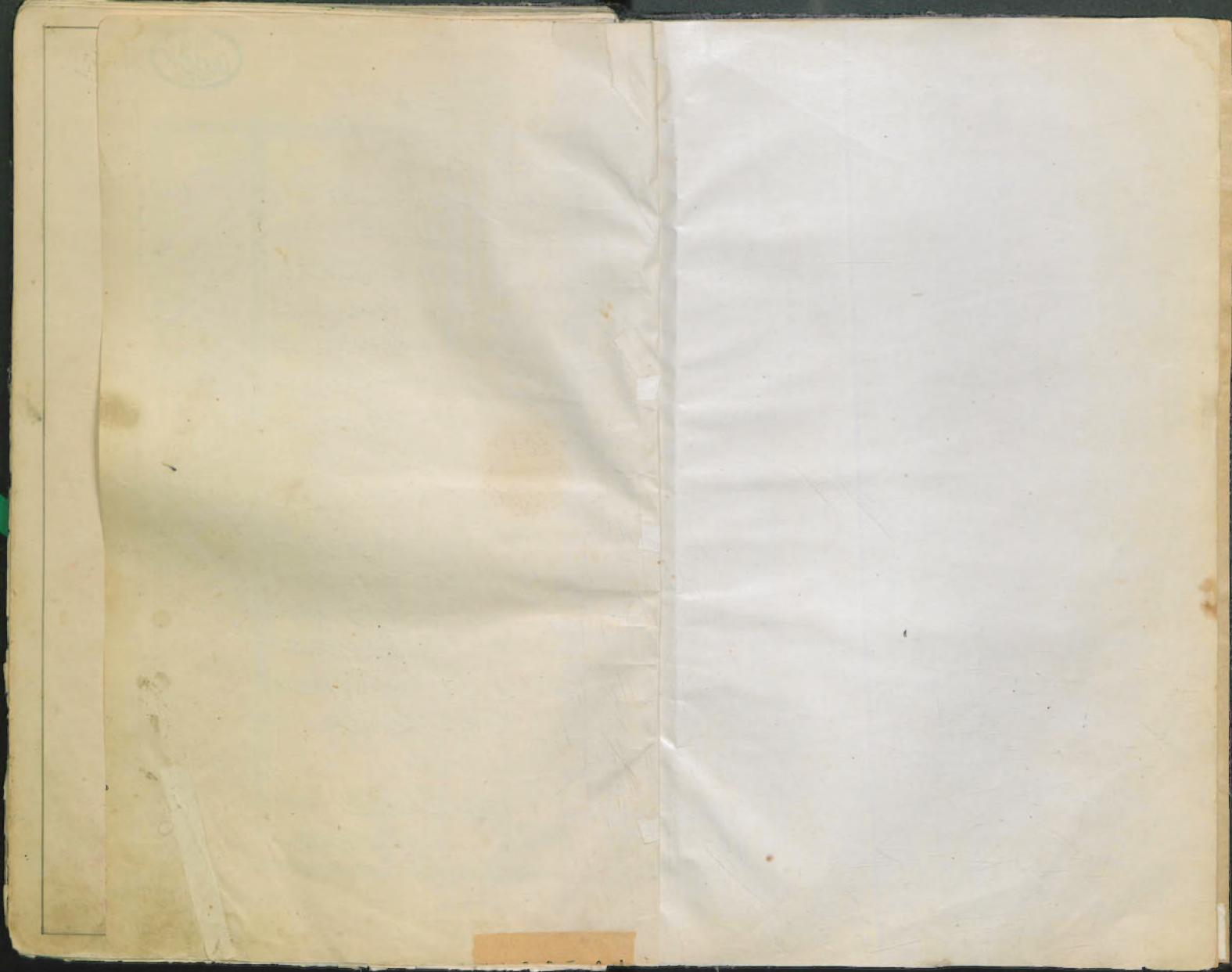
مؤسسه: ۱۳۰۲

۷۲۲۹ ۱۲۸۵

۹۷۷۸

کتاب - فهرست شده
۷۲۲۶

کتابخانه ملی افغانستان
۷۲۲۶



بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست کتاب نفیضه در بیان علم نظام که مشتمل بر یکصد و هشتاد و یک مطلب است
مقدّم بر شصت و یک باب و پانزده فصل است

- و باید در تألیف کتاب در ترتیب او دقت کرد
- استخاره اول در بیان ترتیب علم که ۳
- استخاره دوم در بیان ترتیب علم که ۳
- استخاره سوم در بیان ترتیب علم که ۴
- استخاره چهارم در بیان ترتیب علم که ۵
- استخاره پنجم در بیان ترتیب علم که ۶
- استخاره ششم در بیان ترتیب علم که ۷
- استخاره هفتم در بیان ترتیب علم که ۸
- استخاره هشتم در بیان ترتیب علم که ۱۱
- استخاره نهم در بیان ترتیب علم که ۱۳
- استخاره دهم در بیان ترتیب علم که ۱۵

استخاره اول در بیان ترتیب علم که ۱۴
استخاره دوم در بیان ترتیب علم که ۱۴

فهرست کتاب نفیضه در بیان علم نظام که مشتمل بر یکصد و هشتاد و یک مطلب است
مقدّم بر شصت و یک باب و پانزده فصل است
و باید در تألیف کتاب در ترتیب او دقت کرد
استخاره اول در بیان ترتیب علم که ۳
استخاره دوم در بیان ترتیب علم که ۳
استخاره سوم در بیان ترتیب علم که ۴
استخاره چهارم در بیان ترتیب علم که ۵
استخاره پنجم در بیان ترتیب علم که ۶
استخاره ششم در بیان ترتیب علم که ۷
استخاره هفتم در بیان ترتیب علم که ۸
استخاره هشتم در بیان ترتیب علم که ۱۱
استخاره نهم در بیان ترتیب علم که ۱۳
استخاره دهم در بیان ترتیب علم که ۱۵
استخاره اول در بیان ترتیب علم که ۱۴
استخاره دوم در بیان ترتیب علم که ۱۴

فصل دوم در ذکر ترتیب ترکیب یکصد و هشتاد و یک
فصل سوم ترتیب باطنیان و مرکب یکصد و هشتاد و یک
فصل چهارم ترتیب باطنیان و مرکب یکصد و هشتاد و یک
فصل پنجم ترتیب باطنیان و مرکب یکصد و هشتاد و یک

باید در مطلب اول در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل اول در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل دوم انواع مستند و از مرتبه نیز که یکصد و هشتاد و یک
فصل سوم در بیان انواع مستند و از مرتبه نیز که یکصد و هشتاد و یک
فصل چهارم انواع قلمه مستند و از مرتبه نیز که یکصد و هشتاد و یک
فصل پنجم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل ششم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک

باید در مطلب اول در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل اول در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل دوم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل سوم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل چهارم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل پنجم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک
فصل ششم در بیان انواع ترتیبات که یکصد و هشتاد و یک

فصل

ف

فضل مفتی در چگونگی سربازان هندس

صنعتیہ نریٹو چکونی سوارہ

باب چهارم از مطلب اول در بیان ترتیب کتب ما از نویسنده و سایرین و دوسو و سه و غیره

فصل اول در ترتیب ضعف جنک مکنومان

فصل دوم آداب حرکت نومان بجات صف کم عرض

فصل ششم آداب حرکت قومان باصف عرض

فصل چهارم در کتبستون تو مان بجا استستون بازه

فصل پنجم حرکت تو مان بکالت ستون فراز

مضمر ششم حرکت تو مان کالستون جفت

فصل هفتم در بیان قلعه بستن توپان با انواع متفرد

فصل ششم عبودیت و انان از رودخانه و تنگه و باطلایق

مطلب دوم در بیان ابعاد و مساحت و پرستش تاریخی و تکالیف ایشان

باب اول مطلب دوم در بیان مساعی نمودن لشکر و پستهای ایشان

مصل اول در چگونگی لباس فکر

فصل دوم در بیان اسباب تشکر

عن نسیم در ذکر بوستانهای لشکر

فصل چهارم در ذکر ترتیب مضامین

فصل پنجم مراقبت و تدبیرات در ناخوشی های مری

نام روزه مظهر و قومه در بیان تحالفش

صف ۱۰۱. نظام الفیاض در اردو و مشق

فصل دوم در چگونگی مشق

فصل ششم در بیان فزاوله داخله شهر و قراولی انهای شهری و دور وارفها

فضل حبیب دم در قراولی در حلقه ملکوت و قراولی انجمنی سرمدی و معابر

فصل پنجم در تشریح اولی اردوی مشق

فصل ششم در بیان تکالیف شکر و درساخلاق

باب سیم از مذهب دوم در بیان نجایست که در اردوی خبکت

قصه اول در میان تجالیف در اردو

مضمون و نظم در بیان کالیفرنیا کرد در خجک

مضامین تحفہ المفیدات والایمان

مصحف چهارم بخلاف چند اول

اصف سینہ بخلاف و در و شال و لایق اردو

مستحق است

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

باب چهارم در عصب دوم در

سکولوں پر پڑھانے والی کتابیں

سوم در بیان شرح احوال و حاله

مجلس بیستم در خواص و اقسام درود و سوره

عسل خیارم ادویه و گلاب و گلاب و گلاب

طعن پنجم در رساله بیورسات رد دومی

مسکن ششم در بیان حرار و جدار مسوق

مطلب سیم در بیان حرکت اذن شکر نسبت فرار دوی جنگ ۱۵۷

باب اول در بیان تدبیر است این که از روی شش خبر از شش نشسته

فصل اول در ذکر لزوم نقشه برای اعمال شکر ۱۵۷

فصل دوم در بیان چگونه نقشه و قیاس متعدد ۱۵۷

فصل ششم در بیان ثواب غناطه استغفار از آفات ۱۵۵

فصل چهارم انتخاب بنیان عمل چگونه و بقرار قواعد استغفار از آفات ۱۲۷

فصل پنجم در تشخیص خطای طریقه استخوان را از وضع او ۱۲۸

فصل ششم تعیین قیاس که باید در ریاضت شکر از این جهت و نقل

فصل هفتم طریقه قرار آمد آوردن ضروریات

فصل هشتم در بیان ترتیب بنای از روی استخوان نشسته خبر برای استخوان

باب دوم از مطالب ششم در احاطه حرکت شکر

فصل اول در بیان نقاط مخصوصه برای ترتیب از روی تعدد

فصل دوم و پنجم در احاطه فاصدهای غایبه که باید حرکت کند

فصل ششم در احاطه در فاصدهای غایبه که باید حرکت کند

فصل چهارم در بیان اعمال که باید در راه در نقاط مقصود معمول دارند

فصل پنجم قاعده مستخرج شدن فرمان و کل از اوضاع اردو و رساندن دستورات

فصل ششم طریقه رساندن ضروریات در فتنه

فصل هفتم رساندن آذوقه شکر در مالک و شمن

باب سیم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل اول در قواعد ضروریات و احسان اردو و حرکت

فصل دوم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل چهارم در رساندن ضروریات برای تنویر شکر

فصل پنجم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم در رساندن ضروریات برای تنویر شکر را بفرماندهی

فصل هفتم در رساندن ضروریات برای تنویر شکر را بفرماندهی

باب چهارم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل اول در انتخاب مکان اردو

فصل دوم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل چهارم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل پنجم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل ششم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

مطلب چهارم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

باب اول در بیان اعمال که باید در راه در نقاط مقصود معمول دارند

فصل اول در ذکر ترتیب بنای از روی استخوان نشسته خبر برای استخوان

فصل دوم در ترتیب بنای از روی استخوان نشسته خبر برای استخوان

فصل ششم تعیین قیاس که باید در ریاضت شکر از این جهت و نقل

فصل چهارم از مطالب ششم در بیان قواعد حفظ و احسان اردو و حرکت

فصل نهم طریقیات

فصل ششم تعظیم چنگ

فصل هفتم دستوراتی که در دهان و حین عمل و عمل آنها

باب دوم مطلب چهارم در بیان آداب حرکت شکریه کردن چنگ

فصل اول آداب حرکت پیش چنگ

فصل دوم تعظیم قاطع ساعد و ترتیب شکریه کردن

فصل سیم تعیین کجای کلاه برای سطرش ششم

فصل چهارم قواعد کین کردن

فصل پنجم ترتیب عقبه پیش چنگ

فصل ششم ترتیب پیشان چنگ

فصل هفتم ترتیب عقبه چنگ

فصل ششم در بیان کینه کلاه چنگ

باب سیم مطلب چهارم در بیان حال چنگ قاطع

فصل اول عمل جاسوسان چنگ

فصل دوم آداب پیش فرار و لان

فصل سیم بیانات و ترکیبات فنون در چنگ قاطع

فصل چهارم قواعد و آداب که در روشنی باید مراعات شود

فصل پنجم در بیان مقدار قوت و حالت چنگ در حرکت

فصل ششم آداب تقابل شدن و رسیدن تون با تون دشمن

فصل هفتم در بیان اقسام نغده و چنگ

باب چهارم از مطلب چهارم در بیان مافه

فصل اول در بیان قاضای یونی در مافه

فصل دوم آداب ترتیب شکریه در مافه

فصل سیم در بیان حرکات مافه

فصل چهارم آداب بیانات و حالت شکریه در مافه

فصل پنجم آداب چنگ مافه

فصل ششم آداب عنوان اشتقاق صفات غریبه

فصل هفتم آداب عقبت نسبت به چنگ خد

فصل ششم در بیان مافه رودخانه

فصل نهم سنگریزی رودخانه که سر هر کجاست

فصل دهم آداب معابر

باب پنجم از مطلب چهارم در آداب چنگ حمله

فصل اول اطلالات سنگریزی فانت نظامیه

فصل دوم انشای خطه حمله

فصل سیم در بیان قواعد غلط و فعل شدن و بالارفتن و قلعه که محکم باشد

فصل چهارم حمله کردن و آداب چنگ در زمین سطح و صخره

فصل پنجم آداب چنگ در زمین هموار و جنگل

فصل ششم آداب حمله کردن بر هر کجاست و ماز و زنبولی دشمن

فصل هفتم آداب حمله بر سر توب

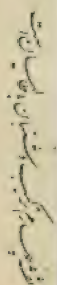
فصل ششم آداب حمله بر قریه و حفظ آن

مصلحت ششم آداب شکر در سخن
مصلحت هفتم طریقه صلوات کردن
حکایتی در بیان بعضی عیالیکه در راه شکر و بیجا شکر و شکست معولان
قانون اول حرمت شکر بعد از شکست
قانون دوم پرستاری شکر بعد از شکست
قانون سیم پرستاری شکر در تفریح
قانون چهارم رفتار شکر بعد از فتح و شکست
قانون پنجم سلوک شکر در مالکیت تصرف
قانون ششم اشطام طریق از نقطه نقطه دیگر
قانون هفتم در بیان فوائد پرستاری شکر
قانون هشتم جزای فایده کاران شکر
قانون نهم سزای کارکنان شکر
قانون دهم جزای شایسته که اعانت بشکر کرده اند
قانون یازدهم سزای بیایسته که اعانت بشکر ننموده اند

مصلحت نهم آداب شکر با دو پایاوه و سواره و پیاده و اسوار
باب ششم از مصلحت چهارم در بیان عیالیکه در تفریح و بیجا شکر دارند
مصلحت اول آداب شکر کردن در سخن را
مصلحت دوم در بیان سلوک با شکر و شایسته که در سخن و بیجا شکر شده
مصلحت سیم سخن شکر بجهت عیال و حاطه فایده
مصلحت چهارم آداب شکر در حال حاضر
مصلحت پنجم در بیان خاتمه کار و مشورتی قتل شکر دشمنان از مالکیت تصرف
مصلحت ششم طریق حفظ عیالیکه شکر کرده اند ۱۳۴
مصلحت هفتم آداب شکر در تفریح و مالکیت تصرف و تربیت معولان ۱۳۵
مصلحت هشتم در بیان فوائد تربیت شکر از مالکیت تصرف و تربیت معولان ۱۳۶
مصلحت نهم در بیان آداب شکر و عیال و تربیت معولان و بیجا شکر و بیجا شکر
مصلحت دهم آداب شکر در تفریح و مالکیت تصرف که بیجا شکر میشود
باب هفتم از مصلحت چهارم در بیان فوائد شکر کردن
مصلحت اول آداب حرکات شکر کردن
مصلحت دوم در بیان عیالیکه قبل از وقت باید بدین
مصلحت سیم آداب شکر با دو پایاوه و سواره و پیاده و اسوار
مصلحت چهارم آداب شکر کردن
مصلحت پنجم خدمت کردن در شکر کردن
مصلحت ششم عیال کردن در شکر کردن و بیجا شکر و بیجا شکر
مصلحت هفتم تربیت شکر و بیجا شکر و بیجا شکر

مصلحت ششم آداب شکر در سخن
مصلحت هفتم طریقه صلوات کردن
حکایتی در بیان بعضی عیالیکه در راه شکر و بیجا شکر و شکست معولان
قانون اول حرمت شکر بعد از شکست
قانون دوم پرستاری شکر بعد از شکست
قانون سیم پرستاری شکر در تفریح
قانون چهارم رفتار شکر بعد از فتح و شکست
قانون پنجم سلوک شکر در مالکیت تصرف
قانون ششم اشطام طریق از نقطه نقطه دیگر
قانون هفتم در بیان فوائد پرستاری شکر
قانون هشتم جزای فایده کاران شکر
قانون نهم سزای کارکنان شکر
قانون دهم جزای شایسته که اعانت بشکر کرده اند
قانون یازدهم سزای بیایسته که اعانت بشکر ننموده اند

مکتبہ دارالعلوم دیوبند



بجز در مرکز آن خط باشد که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 مرکز آن خط است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 غیر از این خط و مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 ثابت و مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 چهارم در تمام آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 باشد و مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 قطعه ای از آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 باید سر از آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 مرکز آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 قدم در خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 بنا بر آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 با و در آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 بهشت است که در تمام آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 و برای سایر بزرگان که با خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط
 دست می آید حالت و بیست و یکم نامش نقشه چهل و یکم است

در تمام آن خط مستطبان است که در تمام آن خط مستطبان باشد و جای بی مقدار در هر حال این خط

سولہ ہزار کرومان مستحبہ پیش

ستون بازو و دندان دست راست خیمه

لکھنؤ

د. محمد صالح المنجد

فروغیان و قیام

10

ستون با کرم و نان دست چپ میس

سید و خان یحیاء

وہ جو کہ اس کے لئے ہے

2

1

و در میان او

کتابخانه و موزه ملی ایران

در وقت

10

پستوان شهباز پیرنگروان و کونینکه گردان آخر در پیش کرد و بان و ان عقب پیش افتادند و نقشه کشیدند و نام
پنجین را که استغایر بنی فرزند است و هم نام و از هر یک از فرماندهان که در هر یک از علایق دارد و مشا

10

منه که است و این از دست پستین دست پند و مان بد بدست از دست پستین دست پستین دست پستین
دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین
دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین
دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین دست پستین

عزیزان معلوم میشود که هر یک نیز بجهت قسم بعد خواهد آمد

$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$
---------------	---------------

نور و نور

ستون هزار و سیست و نه
است

این فرزند است بهر

١٠

سوزن با دست راست
سوزن با دست چپ
سوزن با دست راست
سوزن با دست چپ
سوزن با دست راست
سوزن با دست چپ
سوزن با دست راست
سوزن با دست چپ
سوزن با دست راست
سوزن با دست چپ

[illegible][illegible][illegible]

فاغدی بیجا ای شهر کوهانند و در عین مست آخرت وین نامانفرمان بدینست باغیست که خربار سالک
 است آخرت خود را از دست نظام داد و کوهان را به دست و نماز نشینان را به دست و اسیر کرد باطاعتی که
 بهر دست آخرت چپ چپ کرد و دست خان را از قدیمین به پیش فلان را من به پیشین که فرمان خاوش برکش
 دست خود را بر دوازدهت و یکم و دو که از دایه خودی است و تکیه از خرقه را بر دست از کوبین که دست فرمان هلال
 خرقه است نظام را دست داده دست خود را نظام می دایس از آن نامطریه پیش کشه تیر و دو سوطه دست خود را
 معین خود می استند که معین بر دست نه در حال است و در باغیال و دو قدم از پیشین می کشد و دست نه از پیشین که

خودشان را قوی بنمایند و قوی مردم را ضعیف سازند و ضعیف را قوی سازند

نقشہ پانزویں

نقشہ شامی و ہند

تاعان نظامی چنانکه در قاضی است که در هر کس که در دست است و در دست است و در دست است

اسم	تاریخ	محل
سلطان	در دست است	در دست است
وکیل	در دست است	در دست است
...

تاعان نظامی چنانکه در قاضی است که در هر کس که در دست است و در دست است و در دست است

اسم	تاریخ	محل
سلطان	در دست است	در دست است
وکیل	در دست است	در دست است
...

فرمان و در دست است که در هر کس که در دست است و در دست است و در دست است

الفرمان و در دست است که در هر کس که در دست است و در دست است و در دست است

در دست است

سلطان	در دست است
وکیل	در دست است
...	...

نقشه نظامی

سلطان	در دست است
وکیل	در دست است
...	...

نقشه نظامی

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاعْبُدْهُ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلِيمُ الْغُيُوبِ

فصل احکام	چند طایف از سلاطین خود و قضاة سلاطین را چه چنانچه خود اعلام بکشد که هر طریقی است که خود میباید و سلاطین را چه طرف چه کرد کرده	کلمه سلاطین
و سلاطین را چه طرف چه کرد کرده	چند طایف از سلاطین خود و قضاة سلاطین را چه چنانچه خود اعلام بکشد که هر طریقی است که خود میباید و سلاطین را چه طرف چه کرد کرده	کلمه سلاطین

فایه‌های مختلف است هرگاه در مائش پنجاهم جهان حالت رفیق استون گردان استون است
گفته بغیر از این استون و داد استون است و می‌ازند

[illegible][illegible]

سایه گزیده و نامشیر که بخاسته و خیزد بیاگره چنگ تیره و مان فاسد افراز دارد بافت سبز رنگ در من به بدیش عود و انوشیروان

تقریریں

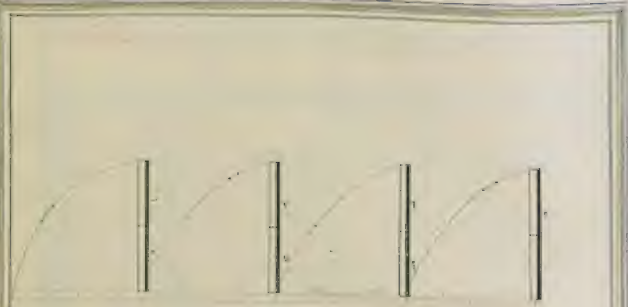
فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِحُكْمِهِ وَهَذِهِ أُمَّتُكَ أَدَّتِ الْعَهْدَ وَاتَّقِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

[illegible]

فَاعْلَامُ فَتْحِكُمْ وَفِي كِتَابِنَا آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَفِي شِيبَانَا كَيْدٌ لِّقَوْمٍ يَكِيدُونَ

[illegible]

مجموعہ انجمن



فصل فی بیان سبب تحریر



نقشہ بدایت شمار

و نظام بیاید هر کس پس از نظام دادن خود نظر بر بدیش کشد میسر محل معین خود

قاری احمد رضا خان درویشی سچواں ہندستون فرزند کر ومان در غیب کے وہاں آخر یہاں مذہبِ ارق تعصیل و فاضل ہوئے اور

[illegible][illegible][illegible][illegible]

31/12/1971

فَاعْلَمْ أَنِّي نَحْنُ الْوَحِيدُ كَلِمَةً وَتَكُنْ لِي شَهِيدًا

[illegible]

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاعْبُدْهُ وَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ الْبَاقِي

[illegible]

مایه ی سر نیزه ای از مایه ی سر نیزه ای که در کتب قدیم مذکور است و در کتب قدیم مذکور است
 تا حدی که در کتب قدیم مذکور است و در کتب قدیم مذکور است
 می بیند و چون جفت بقاضی و از یکدیگر جدا می شود و از یکدیگر جدا می شود
 اعضا نشان می یابند و مثل عمل ادم است و بیکدیگر داشت و در آن فصل بود و چنانکه در کتب قدیم مذکور است

[illegible]

[illegible]

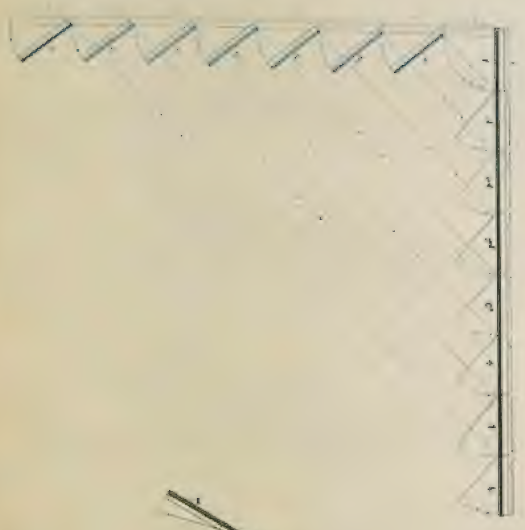
شماره	تاریخ	موضوع
شماره ۱	۱۳۰۲	تاریخ
شماره ۲	۱۳۰۳	تاریخ
شماره ۳	۱۳۰۴	تاریخ
شماره ۴	۱۳۰۵	تاریخ
شماره ۵	۱۳۰۶	تاریخ
شماره ۶	۱۳۰۷	تاریخ
شماره ۷	۱۳۰۸	تاریخ
شماره ۸	۱۳۰۹	تاریخ
شماره ۹	۱۳۱۰	تاریخ
شماره ۱۰	۱۳۱۱	تاریخ
شماره ۱۱	۱۳۱۲	تاریخ
شماره ۱۲	۱۳۱۳	تاریخ
شماره ۱۳	۱۳۱۴	تاریخ
شماره ۱۴	۱۳۱۵	تاریخ
شماره ۱۵	۱۳۱۶	تاریخ
شماره ۱۶	۱۳۱۷	تاریخ
شماره ۱۷	۱۳۱۸	تاریخ
شماره ۱۸	۱۳۱۹	تاریخ
شماره ۱۹	۱۳۲۰	تاریخ
شماره ۲۰	۱۳۲۱	تاریخ
شماره ۲۱	۱۳۲۲	تاریخ
شماره ۲۲	۱۳۲۳	تاریخ
شماره ۲۳	۱۳۲۴	تاریخ
شماره ۲۴	۱۳۲۵	تاریخ
شماره ۲۵	۱۳۲۶	تاریخ
شماره ۲۶	۱۳۲۷	تاریخ
شماره ۲۷	۱۳۲۸	تاریخ
شماره ۲۸	۱۳۲۹	تاریخ
شماره ۲۹	۱۳۳۰	تاریخ
شماره ۳۰	۱۳۳۱	تاریخ
شماره ۳۱	۱۳۳۲	تاریخ
شماره ۳۲	۱۳۳۳	تاریخ
شماره ۳۳	۱۳۳۴	تاریخ
شماره ۳۴	۱۳۳۵	تاریخ
شماره ۳۵	۱۳۳۶	تاریخ
شماره ۳۶	۱۳۳۷	تاریخ
شماره ۳۷	۱۳۳۸	تاریخ
شماره ۳۸	۱۳۳۹	تاریخ
شماره ۳۹	۱۳۴۰	تاریخ
شماره ۴۰	۱۳۴۱	تاریخ
شماره ۴۱	۱۳۴۲	تاریخ
شماره ۴۲	۱۳۴۳	تاریخ
شماره ۴۳	۱۳۴۴	تاریخ
شماره ۴۴	۱۳۴۵	تاریخ
شماره ۴۵	۱۳۴۶	تاریخ
شماره ۴۶	۱۳۴۷	تاریخ
شماره ۴۷	۱۳۴۸	تاریخ
شماره ۴۸	۱۳۴۹	تاریخ
شماره ۴۹	۱۳۵۰	تاریخ
شماره ۵۰	۱۳۵۱	تاریخ
شماره ۵۱	۱۳۵۲	تاریخ
شماره ۵۲	۱۳۵۳	تاریخ
شماره ۵۳	۱۳۵۴	تاریخ
شماره ۵۴	۱۳۵۵	تاریخ
شماره ۵۵	۱۳۵۶	تاریخ
شماره ۵۶	۱۳۵۷	تاریخ
شماره ۵۷	۱۳۵۸	تاریخ
شماره ۵۸	۱۳۵۹	تاریخ
شماره ۵۹	۱۳۶۰	تاریخ
شماره ۶۰	۱۳۶۱	تاریخ
شماره ۶۱	۱۳۶۲	تاریخ
شماره ۶۲	۱۳۶۳	تاریخ
شماره ۶۳	۱۳۶۴	تاریخ
شماره ۶۴	۱۳۶۵	تاریخ
شماره ۶۵	۱۳۶۶	تاریخ
شماره ۶۶	۱۳۶۷	تاریخ
شماره ۶۷	۱۳۶۸	تاریخ
شماره ۶۸	۱۳۶۹	تاریخ
شماره ۶۹	۱۳۷۰	تاریخ
شماره ۷۰	۱۳۷۱	تاریخ
شماره ۷۱	۱۳۷۲	تاریخ
شماره ۷۲	۱۳۷۳	تاریخ
شماره ۷۳	۱۳۷۴	تاریخ
شماره ۷۴	۱۳۷۵	تاریخ
شماره ۷۵	۱۳۷۶	تاریخ
شماره ۷۶	۱۳۷۷	تاریخ
شماره ۷۷	۱۳۷۸	تاریخ
شماره ۷۸	۱۳۷۹	تاریخ
شماره ۷۹	۱۳۸۰	تاریخ
شماره ۸۰	۱۳۸۱	تاریخ
شماره ۸۱	۱۳۸۲	تاریخ
شماره ۸۲	۱۳۸۳	تاریخ
شماره ۸۳	۱۳۸۴	تاریخ
شماره ۸۴	۱۳۸۵	تاریخ
شماره ۸۵	۱۳۸۶	تاریخ
شماره ۸۶	۱۳۸۷	تاریخ
شماره ۸۷	۱۳۸۸	تاریخ
شماره ۸۸	۱۳۸۹	تاریخ
شماره ۸۹	۱۳۹۰	تاریخ
شماره ۹۰	۱۳۹۱	تاریخ
شماره ۹۱	۱۳۹۲	تاریخ
شماره ۹۲	۱۳۹۳	تاریخ
شماره ۹۳	۱۳۹۴	تاریخ
شماره ۹۴	۱۳۹۵	تاریخ
شماره ۹۵	۱۳۹۶	تاریخ
شماره ۹۶	۱۳۹۷	تاریخ
شماره ۹۷	۱۳۹۸	تاریخ
شماره ۹۸	۱۳۹۹	تاریخ
شماره ۹۹	۱۴۰۰	تاریخ
شماره ۱۰۰	۱۴۰۱	تاریخ

فایده یکصد و پنجاه و دو است و در صورت چپ طایمان برای شش سال بعد بدین زمین افتد تا آنکه بنشیند و در هر کشته
تبدیل و فروفتد تا آنکه موقوفه طایمانی بین خیال فرامانده است و آنکه بنشیند و در هر کشته

[illegible][illegible]

نقشہ چهل و پنج

نقشہ چہار و ششم



نقشه چاروبه



نقشه چاروبه



یکسکه و یک دو نفر و یک لازم است که معاوضه نماید و در حرکت هر ارباب و رعایا باشند در توپخانه سوار علی و دیگر
 شش نفر و نفر دیگر لازم است برای نگاه داشتن سیاه توپها و یکدیگر بر گردن توپخانه شغال شوند و هر غرض از این غیر
 از این و سراسر جوهر لازم است که برای کار فرمودن صاحب منصب باشد و صاحب منصبان بزرگ از قبیل فرماندهان و
 فرماندهان صف غیر برای ضرورت جنگ و توپخانه در کار باشند و پیشانیان یک دست توپخانه در کار باشند
 متفاوت است چنانچه توپخانه کتیل است و نظام پادشاه و روس و عثمانیه که یک دست توپخانه در کار است
 و در نظام روس که یک دست توپخانه در کار است و نظام انگلیس و فرانسه و اسپانیا و پرتغال و ایران که یک
 دست توپخانه در کار است و نظام اتریش و اکیلیا و مصر و یک دست توپخانه در کار است و نظام عثمانیه و یک دست
 توپخانه در کار است و نظام آن حالت در حالت است و نظام عثمانیه در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه
 در کار است و در کار فرمودن صف یک دست توپخانه در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه در کار است
 جدا و دست توپخانه در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه
 در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه در کار است و نظام ایران که یک دست توپخانه در کار است
 لازم است که با قبور خط مستقیم را از یک جهت انداخته و از آن جهت درجه پنجم را در جهت راست قرار دهند



تَقَاتُجِدُو سَهْمُ



نقشه سیاحتی جهان







نقشه سجد و فخر





نقشه سیاحتی بهشت دوزخ

[illegible]

412

اقتضای کلی شد و رحمت فرماید از برای اینست که اگر کسی از کار خود غم و استیغاف نگیرد و بگوید که با
یمن خدا که این خلاف را بدست رسانیده کرده و بدین استسباب معلوم و تنبیه کند و صاحب خلاف و موقوف شد
از رسیدگی آنرا استودان خود بپوشد و بعضی استیغاف خود نکند و تراغوش فضی و حمله کند و بخیان میزند که
بر فاعل خلاف خبری نمیکنند و حال آنکه باید روی و تر و بدخیال و استودان صاحب فاعل رحمت میشود و تمام
و نظم از دست میرود اگر این عمل و غش و فضی را بهنگام غرور و استیغاف که مراعات کرده و از روی وقت شریف
بسیار و سبب ترقی علم و تحفیض قیمت فرماید آن و جز آن باشد **فصل پنجم** در آداب تربیت
اهل مملکت متصرفه **لازم است** پس بطبیع و مشاعر اهل مملکت متصرفه و منظم و قیاس و
اعمال قواعداً بقضای ترتیب آنها اقدام از اجالت و حشمت بیرون آورده و بزرگوار باشد و فصل
که با نداشتن قیاس و نظام و مملکت داری بزرگی حفظ و تربیت و استواری آنهاست **قاصد ۱۷۴**
در پیشروار و معلوم شد بنیادهای بزرگ از اداکنان و جوانان قابل آن مملکت باشند و منصفان
و اوده خدمت محول نمایند که از روی علم و شوق منصب و شایسته راجان شایسته و جلاک شایسته و جبهه اطلاع
که اگر درست کار باشد نتیجه او چنان خواهد بود و درست کار شود خدای عز و جل و صحرایشان آنجا که
علم و بزرگاری و سبب قدرت و زکاکی بیرون نماند و تربیت کرده و بخواهی که در اینها می مقبول عادت نمیدارند و
گذران کیفیت و ناهایت و بی علمی است و شکر و شکر باشد که اهل این مملکت و اهل این مملکت و اهل این مملکت
و استواری کرده و است و بزرگاری و شوق و نظام و بزرگاری که این قلم که اهل این مملکت و اهل این مملکت
و از بزرگاری و اداکنان خودشان باشد بسیار خوب و شایسته میشود و بزرگاری که این قلم که اهل این مملکت
شده و شکر و علم و قواعداً نظام و اهل این مملکت و اهل این مملکت و اهل این مملکت و اهل این مملکت
بحکم او حمله و مقابل و از قواعداً و اهل این مملکت و اهل این مملکت و اهل این مملکت و اهل این مملکت
او معمول میدارند و از اجالات فطری و تهوای قیاس و از افران این نوع صاحب منصب که در برابر
بزرگاری و از خارج نشسته و در خیمههای بزرگ و کوچک و بی شوق و تربیت اهل مملکت متصرفه و شایسته
دارد و از قدرت و قوت و دولت آنکه سبب از خفا لغت و سرش میست و کشتند و در تربیت و بزرگاری

10

سبقت میجوید و در آن نوکران خوشان گردانده است مطالب بشود در عدم باشی از هر چه تا مشرب
شده نمیکند بکنیت در وقتی که تربیت یافته میگردند به مشایخ طبعاً از خلاف نفرت میکنند و در خود
بمانند که یکی از عدم قابلیت این طو را بنا پس از زمانه دل نشان تمام اقتصادی خود نظام وراثتین و اولاد
بزرگ را از جهان مسلم و با خارج از تحصیل و خدمت خود باطل شد در حدی و تبرک میگردند نظام و اولاد
جمع کار را با اختیار را داده نموده اند و هر کسی که تربیت شده و دستگیر خوشان و مرغی و شکلات
شکران نظام از امکات بعید لازم نشده و یکجا به کارگزاران حفظ حقیقت خوشان و مرغی و شکلات
بجای میاید که امور بشود **شاه** دولت رویتد و نیز شهرهای ایالات متصرفه و خدمت
و کربت و شیران و امروان و معنی نامرتب و اولاد بنحی و بزرگ از امکان قابل بهوش ساز
و اولاد به خدمت و تربیت نیانند اما یکدک علبای ایالتی حاکم اسلام و درند بهیبت آنها با خفا افسان
اعمالی که مافی شریعت اسلام است از آنها خارج شد و اولاد بدردی و اولاد بهوش ساز
و خدمت خارج شده و اغلب بزرگان که طایفه هم و رسم ندانند با اولاد و خدمت اولاد و اولاد
فرستاد و در آن معنی ناماد و دفع اند و علقه میگردند و با بلبلان و در مان سر می خود که بصورت
اتحاد و سرخو و مافی مصر که در سرخو و در سرخو میگردند و فو قات شبانه میگردند و اولاد بهوش
تغصیب و جهل است فطری هر چه در مقابل نظام و تدبیرات بلبلان گوشه گوشه و اولاد بهوش
متفرق شدند بلبلان تصور و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز
و خدمت خارج نموده و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز
چین و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز
اسلام اند که انداخته و ای از آن استخبار و نقل و اخبار میگردند و اولاد بهوش ساز
طبع آنها سلوک گفت و بیهوده و مفصل نوشته نشود و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز
معنی نامرتب و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز و اولاد بهوش ساز
رو از عی جلاس و روزی چهارم و یکم و اکسبشی بر کار و عی جلاس و اولاد بهوش ساز

[illegible][illegible]

و سایرین را پس از آنجا که از هر یک که گذار شد ترقی شده باشند و بعضی هنوز در خارج کشور باشند و بعضی که از آنجا که
 امیدواریم از آنطرف هم حاصل شود و در هر شخص پس از سایر ترقی معانی نیز باید دقت نمود از آنجا که
 کار و ترقی و ترقی باشد که آن با علم و سیرت باشد که در علوم با خود و قوت و تندرستی و تقویت
 کند و سیرت معانی که گفتیم تا به این حد و علم و سیرت را باید از اهل خوشان ترقی است که از آنجا که
 کنند که مثل معاینه خارج و ترقی قیامت و بوجوب هر سوم که از آنجا که ترقی شده خارج را به این حد
 رئیس در علم و ترقی در علم نظام را باید از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 ناصر الملک که در علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 و ایمان و دولت در علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 سرکشی که در ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 آورده بودند که در ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 باشد که از آنجا که ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 سالیان است و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 احدی از آنها را حساس نمیکند و در نهایت با خط و طرز و روش آنها چنانچه ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 نمودند و خودشان ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 بعد و منصب او شود و گفتند که در ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 کامل بود و چگونگی در زبان آنهاست و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 فرزندش به علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 کاظم آنهاست که بجز در سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 نمودند و از هر یک که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت

مطابق



و طریق پرستی را می نامند **قاعده چهارم** و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 باشد و لی بصیرت معاینه که در ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 مشق داده از ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 باشد و چگونگی از ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 در علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 اجتماع و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 که از ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 هم جایزه نمود و بعد از این میان باید و نظام منصب و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 آن باشد و داده و جایزه نماید و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 و حقیقت این است که بصیرت و کامل است که از ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت
 تا ترقی کرده براتب علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت

تا ترقی کرده براتب علم و ترقی و سیرت و بوجوب هر سوم که از آنجا که است که نکات و عیبه و سیرت در آن بود و ترقی و سیرت

17
16
15
14
13
12
11
10
9
8
7
6
5
4
3
2
1

